

## ضرورة إعادة النظر في مفهوم الصحة و أبعادها من وجهة نظر الإسلام

كاظم حسينزاده\*

قسم التمريض، كلية التمريض والقبالة، جامعة قزوین للعلوم الطبية، قزوین، إيران

\* البريد الإلكتروني: [khz@qums.ac.ir](mailto:khz@qums.ac.ir)

### معلومات المادة

الوصول: ١٨ Nov، ٢٠١٦  
 وصول النص النهائي: ٨ Jan، ٢٠١٦  
 القبول: ١٦ Jan، ٢٠١٧  
 النشر الإلكتروني: ١٩ Feb، ٢٠١٧

الصحة هي مفهوم أساسي في حياة الإنسان وقد أكد على نيلها وصيانتها وتحسينها. تعريف كلمة الصحة ليس فريد من نوعه ولكل شخص تعريف لها وفقاً لإفترضه الخاص به. ولكن يتعلق أشمل تعريف لهذا المفهوم في النصوص العلمية للصحة و الطب، بالمنظمة الدولية للصحة العالمية الذي هو عبارة عن: «الصحة هي حالة من الرفاهية الجسمية والنفسية والاجتماعية، وليست فقط الخلو من المرض او العجز.»

وقد حاولت هذه المنظمة تقديم تعريف كامل عن الصحة، ولكنها تعترف بأن هناك عيوباً عدة في هذا التعريف؛ على سبيل المثال لم يصف هذا التعريف، مفهوم الرفاهية الكاملة بوضوح؛ أو لم يقترح أداة لقياس مستوى رفاهية الشخص و سلامته الشامل (١) و يطرح هذا السؤال الرئيسي، بأن هل يمكن تعريف الصحة، باعتبارها من اهم مفاهيم الحياة البشرية، بصورة تفتقد قابلية القياس والتقييم؟ عرضت منظمة الصحة العالمية من أجل حل هذه المشكلة ، مفهوم التنعم فيما بعد و بينما تؤكد على النسبية في مفهوم الصحة، وصفت التنعم بأنه يحتوي على بعدي الموضوعي و الذاتي. تشير هذه المنظمة في تبين التنعم الموضوعي، إلى «مستوى المعيشة والحصول على وسائل الرفاه في الحياة» و مستلزماتها و على هذا الأساس تعتبر الحصول على مستوى اقتصادي و اجتماعي أعلى معياراً للصحة. وعلى سبيل المثال، ان الذين يجلسون على الأريكة هم أعلى من أولئك الذين يجلسون على الأرض من حيث مستوى التنعم الموضوعي ومستوى المعيشة؛ أو يمتلك الأشخاص ذوا القوة المادية الأعلى مؤشراً، رفاهية أعلى من غيرهم، و تعرض هذه المؤشرات ضمن «الوضع الإقتصادي -الاجتماعي» تركز المنظمة المشار إليها في تبين الفقرة الثانية للتنعم -التنعم الذاتي -على مستوى رضا الشخص عن حياته؛ و يعني هذا أنه الى اى مدى من الراحة قد وصل الشخص في أعماق وجوده إليها؛ و كم هو راض عن جوانب حياته؟

على الرغم من أن المحاولة لتعريف الصحة و مفهوم التنعم من وجهة نظر منظمة الصحة العالمية جديدة بالثناء، إلا أنها لا تزال من القضايا المثيرة للجدل؛ لأنها لم تعتبر أو تقترح أي معيار معقول للحد الاعلى من مستوى المعيشة و رفاهية الحياة المطلوبة، في الوصول الى الصحة، كما أنها تفسر مقياس الرضا عن الحياة(التنعم الذاتي) بصورة مادية. اضافة إلى هذا، فإنها لم تشر إلى طريقة نيل التنعم الموضوعي والذاتي؛ وربما من وجهة نظر هذه المنظمة، إن الهدف يبرر الوسيلة؛ ولذلك قد جعلت الناس احرارا حتى ينالوا التنعم الموضوعي والذاتي بناءً على أي طريقة أتاحت لهم!

يبدو أن هذه النقاشات تعتمد على نوع النظرة الى الانسان والكون. ولذلك يجب إعادة النظر في مبادئ الأثنولوجيا لإصلاح المفهوم المقترح، للتمكن من الحصول على مفهوم أكثر شمولاً. و مع ذلك اتخذت هذه المنظمة خطوة أبعد من ذلك وقد دخلت في مجال جديد وهي أنها حددت

معايير الصحة للسلوك البشري بناءً على فلسفتها. وقد فسرت سلوكيات مثل: التكيف، الصحة النفسية، النجاح، الإكتئاب، الحزن، الفرح، العلاقة الصحيحة، التغذية الصحية، التفرد والعزلة، الثقة بالنفس، احترام الذات، الرفاه الاجتماعي، نمط الحياة، القيام بالمسؤولية وكذلك العشرات من السلوكيات الأخرى على أساس المعايير الخاصة بها.

لا شك أن للمنطق العلمي، قواعد محكمة، ولكن هناك فرق بين المنطق العلمي الذي يعتمد على الفلسفة الوضعية المادية والمنطق العلمي الذي قد استند على الإيديولوجية الدينية.

على سبيل المثال، تؤكد هذه المنظمة على ٦- ٨ ساعات من النوم يومياً كونه معياراً مناسباً للنوم الصحي الذي هو جزء من نمط الحياة الصحية، و ترى قلة النوم، من أسباب انتشار امراض مختلفة مثل السرطان والإكتئاب وفقدان الشهية والوزن ... (٢- ٤)؛ «بينما قد أوصي كثيراً في الإيديولوجية الدينية بأن» «كانوا قليلاً من الليل ما يهجعون»؛ (٥) و

«من الليل فتهدد به نافلة لك»؛ (٦) أو «والذين يبيتون لرحم سجدا و قياماً»؛ (٧) و العشرات من الآيات الأخرى التي لم يكن هناك مجال لذكرها في هذا البحث؛ ولكن سوف أقتصر على ذكر بيت شعر لحافظ: كل كنز من السعادة منح من قبل الله سبحانه و تعالى إلى حافظ هو بفضل دعائه ليلاً وادكاره صباحاً.

خلاصة القول هي أن؛ هل المفاهيم التي جاءت في الإيديولوجية الدينية مثل العلاقات الصحيحة والتغذية الصحية والحزن والفرح وحتى الجسم السليم والرياضي هي نفس المفاهيم التي تم تعريفها في الفلسفة الغربية؟ يستطيع الإسلام أن يقوم بإعادة النظر في هذه المفاهيم وتعريف نصح جديد للعالم من خلال ايديولوجيته الدينية. إلا ان ذلك يتم من خلال التأكيد على التنظير في هذا المجال. وبالتالي، فمن المستحسن أن يوجه الباحثون في مجال الدين والصحة بمجهودهم المضاعف، اتجاهها سامياً لهذا الحاجة الأساسية للإنسان.

يتم استناد المقالة على الترتيب التالي:

Please cite this article as: Hosseinzadeh K. The necessity to revision in the concept and scopes of health according to Islam perspective. J Res Relig Health. 2017;3(2): 1- 7.

## لزوم بازنگری در مفهوم سلامت و ابعاد آن از منظر دین اسلام

کاظم حسین زاده \*

گروه پرستاری، دانشکده‌ی پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران.

پست الکترونیک: [khz@qums.ac.ir](mailto:khz@qums.ac.ir)

### اطلاعات مقاله

دریافت: ۲۸ آبان ۹۵

دریافت متن نهایی: ۱۹ دی ۹۵

پذیرش: ۲۷ دی ۹۵

نشر الکترونیکی: ۱ اسفند ۹۵

سلامتی مفهومی اساسی در زندگی بشر است و همواره بر دستیابی، حفظ و ارتقای آن تأکید شده است. تعریف واژه‌ی سلامتی منحصر به فرد نیست و هر شخصی بنا بر پنداشت خود تعریفی از آن دارد. لیکن جامع‌ترین تعریفی که از این مفهوم در میان متون علمی بهداشت و طب<sup>۱</sup> به چشم می‌خورد، مربوط به سازمان بین‌المللی بهداشت جهانی<sup>۱</sup> است که عبارت است از: «سلامتی حالتی از رفاه کامل جسمی، روانی و اجتماعی است، نه فقط نبود بیماری و نقص عضو». این سازمان تلاش کرده است که تعریفی کامل از سلامتی ارائه دهد، اما معترف است که نقایص عدیده‌ی در این تعریف وجود دارد؛ مثلاً مفهوم رفاه کامل را به‌وضوح شرح نداده است؛ و یا اینکه ابزاری برای اندازه‌گیری سطح رفاه و سلامت جامع فرد، پیشنهاد نکرده است (۱). حال این سؤال اساسی مطرح می‌شود که آیا می‌توان یکی از اساسی‌ترین مفاهیم زندگی بشری - سلامتی - را به‌گونه‌ی تعریف کرد که قابلیت اندازه‌گیری و سنجش نداشته باشد؟

سازمان بهداشت جهانی، برای رفع این نقصان، بعدها مفهوم بهزیستی را مطرح کرد و ضمن تأکید بر نسبیّت در مفهوم سلامت، بهزیستی را بر دو بُعد عینی و ذهنی مشتمل دانست. این سازمان در شرح بهزیستی عینی، به «سطح زندگی و دستیابی به اسباب و لوازم آسایش زندگی» اشاره دارد و بر این اساس دستیابی به سطح اقتصادی و اجتماعی بالاتر را ملاک سلامتی می‌داند. برای مثال، کسانی که بر مبل می‌نشینند، از نظر بهزیستی عینی و سطح زندگی، بالاتر از کسانی قرار دارند که روی زمین می‌نشینند؛ یا افرادی که قدرت مادی بالاتری دارند، شاخص بهزیستی بالاتری دارند؛ و این شاخص‌ها را در مضمون «وضعیت اقتصادی - اجتماعی»<sup>۲</sup> عرضه می‌کند. سازمان یادشده در شرح بند دوم بهزیستی - بهزیستی ذهنی - به میزان رضایت فرد از زندگی‌اش توجه دارد؛ بدین معنی که فرد در عمق وجود خود به چه حدی از آرامش رسیده؛ و چقدر از جوانب زندگی‌اش راضی است.

کوشش برای تعریف سلامت و همچنین مفهوم بهزیستی از دیدگاه سازمان بهداشت جهانی، اگرچه شایسته‌ی تقدیر است، لیکن هنوز یکی از مسائل بحث‌برانگیز است؛ چراکه هیچ معیار منطقی برای سقف سطح زندگی و آسایش زندگی مورد نیاز، در

<sup>1</sup> World Health Organization (WHO)

<sup>2</sup> Socioeconomic status (SES)

نافله به تهجد بپرداز و سحرخیزی کن» (۶) و یا «والذین یبیتون لربهم سجدا و قیاما»؛ «آنان که در حال سجود و قیام، برای خدا شب زنده‌داری می‌کنند» (۷)؛ و ده‌ها آیه‌ی دیگر، که مجال آن در این مقال نیست؛ لیکن به بی‌تی عارفانه از لسان‌الغیب حافظ بسنده می‌کنم:

هر گنج سعادت که خدا داد به حافظ

از یمن دعای شب و ورد سحری بود

کلام آخر اینکه؛ آیا در جهان‌بینی الهی، مفاهیمی مانند ارتباط سالم، تغذیه‌ی سالم، غم، شادی و حتی جسم سالم و پهلوانی، همان است که در فلسفه‌ی غرب تعریف شده است؟ دین مبین اسلام، با جهان‌بینی الهی‌اش، می‌تواند به بازنگری در این مفاهیم بپردازد و نگرشی نو به جهان‌بینی معرفی کند. لیکن تئوری‌پردازی در این زمینه بسیار تأکید می‌شود. بنابراین شایسته است پژوهشگران حوزه‌ی دین و سلامت، با تلاش مضاعف، به این نیاز اساسی بشری سمت و سوی متعالی ببخشند.

رسیدن به سلامتی، قائل نیست و یا پیشنهاد نمی‌کند و همچنین معیار رضایت از زندگی (بهزیستی ذهنی) را نیز مادی‌گونه تعریف می‌کند. علاوه‌براین، به روش رسیدن به بهزیستی عینی و ذهنی نیز اشاره‌ی نمی‌کند؛ شاید از منظر این سازمان، هدف؛ وسیله را توجیه می‌کند؛ و بدین سبب انسان‌ها را آزاد گذاشته است تا بر اساس هر روشی که برایشان میسر شد به بهزیستی عینی و ذهنی برسند!

به نظر می‌رسد این بحث‌ها اغلب وابسته به نوع نگاهی است که به انسان و هستی دارد. بنابراین برای اصلاح مفهوم پیشنهاد شده، به‌ناچار باید مبانی انسان‌شناسی بازنگری شود تا بتوان به مفهوم جامع‌تری دست یافت.

با وجود این، این سازمان قدم فراتر گذاشته و به عرصه‌ی جدیدی وارد شده‌است و آن اینکه بر اساس فلسفه‌ی خود، برای رفتارهای بشری معیار سلامت تعریف کرده است. رفتارهایی مانند سازگاری<sup>۱</sup>، سلامت روحی<sup>۲</sup>، موفقیت<sup>۳</sup>، افسردگی<sup>۴</sup>، غم<sup>۵</sup>، شادی<sup>۶</sup>، ارتباط سالم<sup>۷</sup>، تغذیه‌ی سالم<sup>۸</sup>، گوشه‌گیری و انزوا<sup>۹</sup>، اعتماد به نفس<sup>۱۰</sup>، عزت نفس<sup>۱۱</sup>، رفاه اجتماعی<sup>۱۲</sup>، سبک زندگی<sup>۱۳</sup>، ایفای نقش<sup>۱۴</sup> و ده‌ها رفتار دیگر را نیز بر اساس معیارهای خود تعریف کرده است.

شکی نیست که منطق علمی، پایه‌های استواری دارد، لیکن فرق است میان منطقی علمی که بر پایه‌ی فلسفه‌ی اثبات‌گرایی مادی است و منطقی علمی که بر جهان‌بینی الهی بنا شده‌است. برای مثال در منطق این سازمان برای معیار خواب سالم که جزئی از سبک زندگی سالم است، لزوماً بر ۶ تا ۸ ساعت خواب، طی ۲۴ ساعت شبانه‌روز، تأکید شده است و نقصان خواب روزانه را دلیلی بر شیوع انواع بیماری‌ها مانند سرطان، افسردگی، بی‌اشتهایی، کاهش وزن و غیره می‌داند (۲ - ۴)؛ این در حالی است که در جهان‌بینی الهی بسیار سفارش شده است که «کانوا قلیلاً من اللیل ما یهجعون»؛ «مردان خدا، مقدار کمی از شب را می‌خوابیدند» (۵) و «و من اللیل فتهجد به نافله لک»؛ «بخشی از شب را به‌عنوان

<sup>1</sup> Adaptation  
<sup>2</sup> Mental or spiritual health  
<sup>3</sup> Achievement  
<sup>4</sup> Depression  
<sup>5</sup> Sadness  
<sup>6</sup> happiness  
<sup>7</sup> Healthy relations  
<sup>8</sup> Healthy nutrition  
<sup>9</sup> Isolation  
<sup>10</sup> Self-confidence  
<sup>11</sup> Self-esteem  
<sup>12</sup> Social welfare  
<sup>13</sup> Lifestyle  
<sup>14</sup> Role playing

استناد مقاله به این صورت است:

**Please cite this article as:** Hosseinzadeh K. The necessity to revision in the concept and scopes of health according to Islam perspective. J Res Relig Health. 2017;3(2): 1- 7.

## References

1. Park J. Textbook of Preventive and Social Medicine. Gilan: Gilan University of Medical Sciences Publications; 1993.(Full Text in Persian)
2. Beattie L, Walsh D, McLaren J, Biello SM, White D. Perceptual impairment in face identification with poor sleep. Royal Society Open Science. 2016; 3(10): 160321.
3. Lasseonde JM, Rusterholz T, Kurth S, Schumacher AM, Achermann P, LeBourgeois MK. Sleep physiology in toddlers: Effects of missing a nap on subsequent night sleep. Neurobiology of sleep and circadian rhythms. 2016;1(1):19- 26.
4. Pires GN, Bezerra AG, Tufik S, Andersen ML. Effects of acute sleep deprivation on state anxiety levels: a systematic review and meta-analysis. Sleep Medicine. 2016; 24: 109- 18.
5. The holy Quran. Sura Al-Zariat.Verse 17.Translated by: Fooladvand, M.M. Tehran: Office of Historical Studies and Islamic Studies; 2011.(Full Text in Arabic)
6. The holy Quran. Sura Al-Asra.Verse 79.Translated by: Fooladvand, M.M. Tehran: Office of Historical Studies and Islamic Studies; 2011.(Full Text in Arabic)
7. The holy Quran. Sura Al-Forghan.Verse 64.Translated by: Fooladvand, M.M. Tehran: Office of Historical Studies and Islamic Studies; 2011. (Full Text in Arabic)